طنزانه

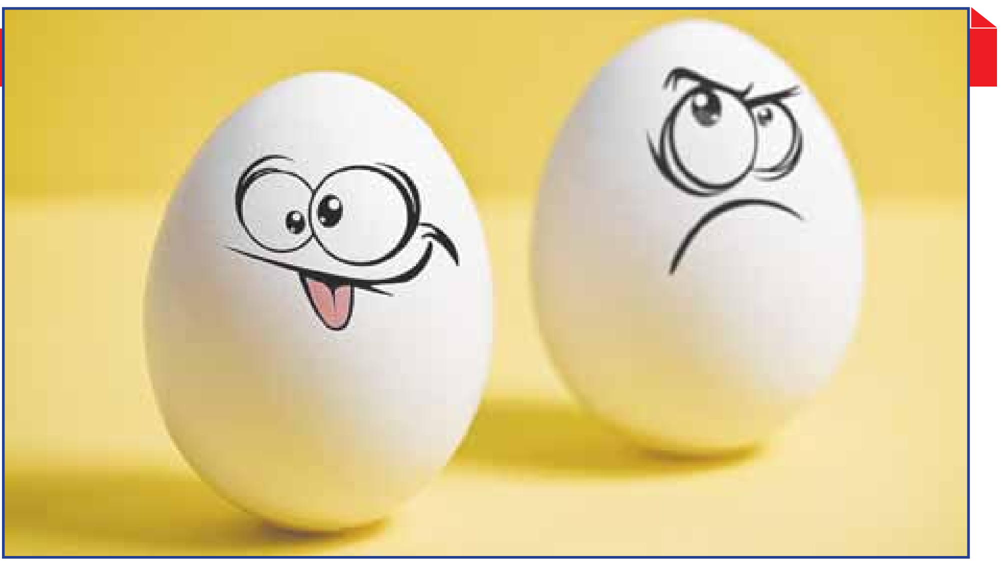

عید دیدنی انتخاباتی

تشیار ایرانمهر

با خبر شدیم که مهتران و کهتران (همان بزرگان و کوچکان) عرصه سیاست دور هم جمع شده‌اند تا هم پیشاپیش سال نو را به هم تبریک بگویند و هم دل‌ها را یک خانه تکانی سیاسی و انتخاباتی کنند و ما هم چون احساس کردیم هر کجا رئیس جمهور باشد، آقای دایم‌الکاندیدای ادوار باشد، مطهری و لاریجانی (هر دو علی) باشند، آخوندی و جدیدی (هر دو عباس) باشند و محمدباقر قالیباف هم باشد و احمدی نژاد هم باشد و ظریف هم باشد و حتی آقای ممنوع‌السخت (ممنوع السخن، خروج و تصویر) هم باشد پس حتماً خبرهایی هم می‌شود پس به آن دور همی رفتیم و دیدیم آنچه را دیدنی بود.

احمدی نژاد که وارد گردهمایی نوروزی شد با صدای بلند گفت: مطمئن باشید بهار می‌آید؛ نه اینکه خودش مستقیما بیاید بلکه بقایی دوباره می‌یابد و به همراهش عدالت هم می‌آید، هوگو هم می‌آید. امسال‌تان بهاری و بهارتان بقایی باد. وقتی دقت کرد، دید صندلی‌ها همه خالی هستند و هنوز کسی نیامده است. مردی که در حال نظافت سالن بود گفت: دکتر دیگر آن «جایگاه ارائهٔ شیر» را لولو برد و این حرف‌ها خریداری ندارد. در این هنگام قالیباف از در سمت راست با ادا و اصول‌گرایی وارد شد و از در سمت چپ هم آخوندی که انگار تازه برای صورتش اصلاح، طلب کرده بود آمد و به ناچار همدیگر را درآغوش گرفتند و قالیباف گفت: به‌به جناب وزیر کتابخوان، دو ماه به این سال‌ها. آخوندی در حالی که سمت چپ صورتش را ماچ می‌کرد گفت: به‌به جناب شهردار تراکم فروش! حالا چرا دو ماه به این سال‌ها؟ قالیباف که فقط سمت راست صورت را ماچ می‌کرد گفت: آخر دو ماه دیگر وقت شما تمام می‌شود و با این وضعیت رکود و قیمت پایین نفت احتمالاً کسی رئیس جمهور خواهد شد که بتواند صنایع دستی ببافد و نیاز به بودجه نفت نداشته باشد. در حالی که داشتند از همدیگر فاصله می‌گرفتند آخوندی گفت: فعلا بباف تا ببینیم تا دو ماه دیگر چه می‌شود.

در همین اثنا مردی وارد شد که لباس نظامی به تن داشت و بدون توجه به حضار پشت تریبون رفت (که بلافاصله کاربران عباس جدیدی را کنار او فتوشاپ کردند). شعارهای اقتصادی می‌داد و بدون اینکه با کسی خوش‌وبش و عید دیدنی کند فقط می‌گفت دولت بعدی اگر نتواند اقتصاد دولتی را با اقتصاد آزاد تلفیق کند و با الگوبرداری از اقتصاد جنگی، یک اقتصاد جهادی را برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی تدارک ببیند مطمئنا نتیجه‌ای نخواهد داشت و سریع رفت و تنها در یک گوشه سالن نشست.

علی مطهری که وارد شد با همه سلام‌علیک کرد و هم زمان هم جناح چپ و هم جناح راست صورت حاضران را ماچ می‌کرد و خیلی جدی گفت: من پشت تریبون نمی‌روم فقط بلوتوث‌ها را روشن کنید یک کلیپ به اسم «کنسرت خوب، حصر بد، ساپورت زشت» تهیه کردم براتون بفرستم و جالب اینکه در این کلیپ هم کابران عباس جدیدی را فتوشاپ کرده بودند. روحانی که وارد شد بدون اینکه پشت تریبون رود سراغ مهمانان رفت و دیده بوسی کرد. قالیباف گفت حاج حسن حقوقدان! چرا وسط پیشانی ما را می‌بوسی؟ عید دیدنی جدیده؟ درحالی که لبخند می‌زد گفت سرهنگ! مگر نشنیده‌ای که خیرالامور اوسطها؟ ما میانه‌رو هستیم نه چپ و نه راست (در تمام مدت هم مواظب بود که جدیدی را کنار تصویرش فتوشاپ نکنند).

در این هنگام مردی که ممنوع‌السخت بود بدون اینکه پخش شود همراه عارف وارد شد و در حالی که همه زیرچشمی به او نگاه می‌کردند اما کسی تمایلی به عیددیدنی با او نداشت به جز علی مطهری که جلو رفت و کلیپ خودش را برایش بلوتوث کرد و متقابل کلیپی دریافت کرد که می‌گفت: تکرار می‌کنم در سال جدید هم به جای عارف به همان گزینه سال ۹۲ رای دهید. عارف هم در حالی که موهای پریشان روی پیشانی‌اش را با دست کنار می‌زد گفت: همین‌جا به نفع همان گزینه که تکرار شد از کاندیداتوری انصراف می‌دهم. (عباس جدیدی هم که عکسش اینجا هم بود به دادگاه مطبوعات احضار شد که چون فهمیدند فتوشاپ است تبریه شد).

حالا وزیر امور خارجه که فکر می‌کرد همچنان به‌عنوان دوست‌داشتنی‌ترین وزیر کابینه شناخته می‌شود و با سوءاستفاده از تعطیلی نوروزی رسانه‌های اون‌وری! ریشش را کاملا پروفسوری اصلاح کرده بود وارد شد و در حالی که به پهنای صورت می‌خندید و تمام ۳۲ دندانش قابل شمردن بود گفت:

Happy new year, one hundred years better than this year

اما نه کسی به استقبال او رفت، نه کسی او را بغل کرد و نه لپ‌های تپلش را ماچ کردند؛ با تعجب و در حالی که همان خنده‌های دیپلماتیکش را بر لب داشت گفت بابا منم ظریف، مرد مذاکرات هسته‌ای، مرد برجام، یک نفر از داخل جمع گفت: جوادجان دوران جان(کری) و دوران برجام تمام شده و الان پسابرجام هستیم تو هم سریع‌تر یک جا بنشین تا سیمانت نگرفته‌اند.

علی لاریجانی هم از در درآمد و بلافاصله پشت تریبون رفت و شروع کرد به «از رو نوشته حرف زدن» و گفت بداخلاقی‌هایِ سیاسیِ سالِ جدید، آفت بلوغ انتخاباتی است؛ اجازه ندهیم دیوهای سیاسیِ درونیِ ما بر چراغ‌های مشارکت مردمی اثر کند. و از همان‌جا مستقیم به حوزه انتخابیه خود رفت تا با علما دیدار کند.

مردی که لباس سبز اتاق عمل به تن داشت به محض ورود به سالن به سراغ تختی که از قبل آماده شده بود رفت و چشم ۱۱ بیمار را که از قبل با فرماندار ایلام تلفنی هماهنگ کرده بود را جراحی کرد و هنگامی که ماسک را از صورتش برداشت تلفنی عذرخواهی کرد و از سالن خارج شد.

خلاصه همه مشغول خوش‌وبش و تبریک گویی بودند که با اینکه کسی پشت تریبون دیده نمی‌شد اما صدایی آشنا از بلندگوها شروع به صحبت کرد: دو ماه دیگر بهار واقعی می‌آید. عدالت و بهارعدالت بقایی دوباره خواهد یافت. دوباره نفت ۱۶۰ دلاری به سفره‌های شما می‌آید. دوباره باید آب را به همان جایی که می‌سوزد ریخت. دوباره آمریکا برای ترور بهار نقشه خواهد ریخت. دوباره هاله نور بر سقف سازمان ملل خواهد آویخت. دوباره پول از نظر مردم نمی‌دانم، ولی از نظر دولت بهار، بی‌ارزش خواهد شد حتی هزار میلیارد هم بی‌ارزش خواهد شد. دوباره مردان پاک خواهند آمد و صندوق ذخیره ارزی را از لوث وجود دلارهای شیطان بزرگ پاک خواهند کرد و دوباره با آمدن بهار شکوفه‌های چاوز در انگلیس که جزیره‌ای کوچک در آفریقاست جوانه خواهد زد. و من یعنی کوچیک همهٔ شما، همین جا از شما می‌پرسم چه کسی خسته است؟ - اما کسی جواب نداد - دوباره می‌پرسم چه کسی خسته است؟ - باز هم کسی جواب نداد- یک صندلی زیر پایش گذاشت تا از بالای تریبون بتواند حضار را ببیند که چرا جواب نمی‌دهند که متوجه شد به غیر از یک نفر که دیگر عارف هم در کنارش نبود، کس دیگری در سالن نیست و صندلی‌های خالی هم توان حرف زدن را ندارند و مردی که در حال نظافت سالن بود گفت: دکترجان، همه حاضران با هم قرار گذاشتند امسال بهار دسته‌جمعی با پیکان برن برج میلاد، من که همان اول جلسه گفتم دیگر آن «جایگاه ارائهٔ شیر» را لولو برد و این حرف‌های شما خریداری ندارد. آن مرد هم به اجبار آنجا نشسته چون ممنوع‌الخروج است و الا او هم بیرون می‌رفت.

تفاوت زندگی در جایگاه یک پزشک و یک سیاستمدار

مسعود پزشکیان*

برای شخصی مانند من پزشکی و سیاست ادغام شده است؛ حالا اما راحت‌تر پزشکی می‌کنم و کمتر استرس دارم، چراکه پله‌ها را براساس سلسله مراتب و قدم‌به‌قدم بالا آمده‌ام، مشکلات را در قدم‌ها آرام حل کردم و کمترین مشکلی ندارم و به راحتی با بیمار مواجه می شوم. در پزشکی، نحوه برخورد با بیمار به سهولت شکل می گیرد چراکه بر قلب متمرکز هستیم، خطرات را می‌دانیم و تکرار کار را پیش می‌برد اما در سیاست مسئله بسیار پیچیده و گسترده است. سیاست‌ورزی و قانون‌گذاری نیازمند تیم کارشناسی خبره و کارآمد است که متاسفانه ما به کارشناسی دسترسی نداریم و اگر هم باشند، با نگاه‌های مختلف به قضیه نگاه می‌کنند و این امر برای ما جالب نیست. مسعود پزشکیان به عنوان یک سیاستمدار برای هر تصمیم نیازمند مطالعه است و باید با احتیاط تصمیم بگیرد. به تعبیری دیگر، قاطعیتی که در درمان بیماران و روند پزشکی آنها وجود دارد در روند سیاسی شاهد نیستیم و به خاطر عدم احاطه به مشکلات است که هیچ سیاستمداری نمی‌تواند ادعا کند که این احاطه را دارد، مگر اینکه تیم منسجم با کارشناسان خبره که بتوانند به سیاستمداران برای تصمیم‌های درست و به هنگام کمک کنند. حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه می‌نویسد که هیچ‌گاه مقابل سنتی که اقوام گذشته به آن عادت و با آن زندگی کرده‌اند، آنها را به دور هم جمع می‌کند و باعث خوشحالی‌شان می‌شود، نایستید. زشتی بر تو و خیر بر کسانی که این سنت‌ها را پایه‌گذاری کردند. از سنت‌هایی که مردم را کنار هم قرار می‌دهد استقبال کرده و آن را تقویت کنید نه اینکه در مقابل آن بایستید.

***نایب رییس اول مجلس و وزیر بهداشت دولت اصلاحات**

سال ۹۶ با انتخاب اصلح کام مردم شیرین می‌شود

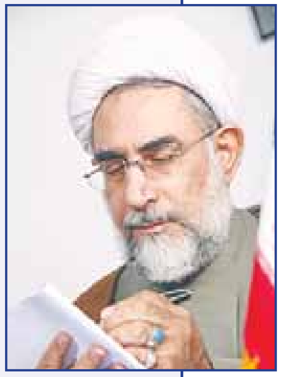

رسول منتجب نیا*

اگرچه واژه‌هایی مانند نحوست، شانس، اقبال و... دارای مفاهیمی عقلانی و مورد تایید اسلام نیستند، ولیکن نمی‌شود انکار کرد که برخی از روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها، حاوی حوادث بسیار شیرین، شادی‌آفرین و یا رویدادهای بسیار تلخ و اندوه‌آفرین هستند. از باب نمونه در سال شمسی ۱۳۹۵ در کنار موفقیت‌هایی که ملت ایران و جمهوری اسلامی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، داخلی و خارجی به‌دست آورد، حوادث بزرگ و ناگواری در کشور پدید آمد که کام مردم و مسئولان ما را به شدت تلخ کرد و خسارت‌های بزرگ و جبران‌ناپذیری بر آن‌ها تحمیل کرد که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

رحلت شخصیت بزرگ، تاثیرگذار و سابقه انقلاب مرحوم آیت الله موسوی اردبیلی که خدمات ارزنده او به ملّت و کشور در زمینه های مختلف، فاموش نشدنی است.

حادثه دلخراش شهادت جمعی از زائران ایرانی عتبات وعالیات به دست پلید داعش، فاجعه تصادف قطار مسافربری و درگذشت جمعی زیادی از زائران ثامن‌الحجج (ع) و سایر مسافران؛ حادثه بسیار تلخ و سنگین رحلت یاردیرین امام راحل و خدمتگزار صدیق ملت و کشور مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی؛ فاجعه دردناک آتش سوزی مرکز تجاری پاسکو و شهادت تعداد زیادی از برادران فداکار آتش نشان و کسبه محترم

سنگینی و تلخی وقایع مزبور آن‌چنان مردم شریف و قدرشناس ما را تحت تاثیر قرار داد که گویی همه سختی‌ها و ناراحتی‌های خود را فراموش کردند و اما سال ۱۳۹۶، امید و انتظارات که با عنایت پروردگار و توجهات خاصه ولی اعظم‌الهی و دقت و هوشیاری بیشتر مسئولان و حضور فعال، پر شور و متعهدانه آحاد ملت در صحنه، از تکرار حوادث غمبار گذشته تا جایی که در اختیار آن‌ها است، پیشگیری شده و بخشی از خسارت‌ها و ضایعات قابل جبران، تدارک شود. یکی از حوادث بزرگ، سرنوشت‌ساز سال آتی دو انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی است که در صورت حضور گسترده و آگاهانه مردم پای صندوق‌های رأی و انتخاب احسن چهره‌های متعهد، صادق، کاردان و خدمتگزار برای دو عرصه انجام وظیفه، نه تنها برگ زرّینی بر کتاب تاریخ ایران خواهد افزود که بخشی از ناکامی های سال جاری را جبران خواهد کرد و خدای ناخواسته بی تفاوتی بخشی از مردم و یا انتخاب افراد فاقد شایستگی لازم نه تنها خاطره نامطلوبی از مردم را در تاریخ به جای خواهد گذاشت که ضایعه و فاجعه ای بزرگ دیگر را پدید خواهد آورد.

***قائم مقام دبیر کل حزب اعتماد ملی**

آگهی خواهان افشین کاویانی دادخواستی بطرفیت خوانده محمدمهدی ایرانلو به خواسته استرداد لاشه چک تقدیم دادگاهای عمومی شهرستان تهران نموده که جهت رسیدگی به شعبه۸۸ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مدرس شهر تهران واقع در تهران خیابان دماوند- خیابان وحیدیه- مجتمع قضایی شهید مدرس ارجاع و به کلاسه ۹۵۰۹۹۸۲۱۶۸۸۰۰۵۸۷ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۶/۲/۱۷ و ساعت ۹:۰۰ تعیین شده است به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی دادگاهای عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود تا خوانده پس از نشر آگهی و [illegible] از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و [illegible] را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.
دفتر شعبه ۸۸ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مدرس تهران ۱۱۰/۱۵۴۳۸

آگهی خواهان سید حمید عظیمی ده عرب دادخواستی بطرفیت خوانده محمدحسین شفائی به خواسته مطالبه وجه چک با احتساب خسارات دادرسی و خسارت تاخیر تادیه تقدیم دادگاهای عمومی شهرستان تهران نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۳۰ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مدنی شهر تهران واقع در تهران خیابان انقلاب-خیابان قدس- روبروی خیابان پورسینا- مجتمع قضایی شهید مدنی تهران ارجاع و به کلاسه ۹۵۱۰۵۴ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۶/۰۲/۱۰ و ساعت ۱۰:۳۰ تعیین شده است به علت مجهول المکان بودن خواندگان درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی دادگاهای عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.
۱۱۰/۱۵۴۲۸ دفتر شعبه ۳۰ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مدنی تهران

آگهی خواهان عباس مجیدزاده دادخواستی بطرفیت خوانده ابراهیم ابراهیمی به خواسته اعسار از پرداخت محکوم به تقدیم دادگاهای عمومی شهرستان تهران نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۲۱۴ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مفتح تهران واقع در تهران بلوار آیت الله کاشانی نرسیده به میدان شهر زیبا- خیابان مخابرات- جنب کانون اصلاح و تربیت ارجاع و به کلاسه ۹۵۰۹۹۸۲۱۶۳۹۰۰۹۰۶ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۶/۲/۹ و ساعت ۹:۳۰ تعیین شده است به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی دادگاهای عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.
دفتر شعبه ۲۱۴ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مفتح تهران ۱۱۰/۱۵۴۳۹

آگهی اجرائیه مشخصات محکوم له/ محکوم لهم
آقای مسعود اسدی سیف فرزند اکبر مشخصات محکوم علیه/محکوم علیهم آقای جعفر فروغی محکوم به: برابر دادنامه شماره ۹۵۰۶۷۸ مورخ ۹۵/۶/۲۰ شعبه۳۸ دادگاه حقوقی تهران حکم بر الزام محکوم علیه به پرداخت مبلغ ۱۶۰/۰۰۰/۰۰۰ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۵۶۰۶۰۰۰ریال هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل مطابق تعرفه و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چک مورخ ۹۴/۷/۲۸ تا اجرای حکم براساس شاخص نرخ تورم اعلامی توسط بانک مرکزی در حق محکوم له و نیز پرداخت هزینه اجرایی به حساب درآمد عمومی کشور [illegible]

[illegible]